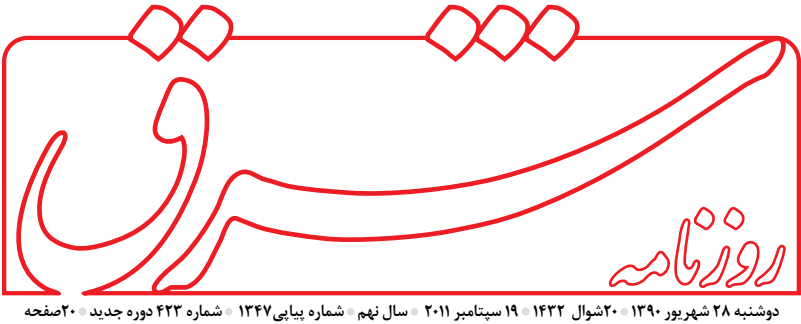




تهران : اذان ظهر ۱۲:۵۸ اذان مغرب ۱۹:۲۵ اذان صبح فردا ۵:۲۶ طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱-۸۸۶۵۸۵۷۵-۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز -تلفن:۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب -تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsaper.ir



دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۰ - ۲۰ شوال ۱۴۳۲ - ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره بیای ۱۲۴۷ - شماره ۴۲۲ دوره جدید - ۲۰صفحه

تقدیر از پرویز دوابی در جایزه کتاب سال سینمای ایران

در سومین جشن جایزه کتاب سال سینمای ایران از پرویز دوابی نویسنده، منتقد تقدیر خواهد شد.

در دوره نخست این جایزه از مرتضی آوینی، جمال امید و عباس بهارلو و در دوره دوم از زاون قوکلیسان ستایش شده است. سه مرحله از این دابری به اتمام رسیده است و هیات داوران به ریاست گلی امامی امروز برای بررسی و مشورت در خصوص نامزدان کتاب سال سینمای ایران تشکیل جلسه خواهند داد.

سپهر

۲۰۰میلیارد ادریاید



شهاب‌الدین طباطبایی
shahab@tabatabaei.net

■ ۷۸۰سال پیش، شمس‌الدین محمد جوینی از وزرای مغول به شیوه همیشگی کاغذی برای مرحوم سعدی نوشت: در آن کاغذ چهار سوال از شیخ اجل پرسیده بود و دستاری حاوی پول نیز تقدیم سعدی رحمه‌الله. خواجه شمس‌الدین در پایان سوال چهارم در همان کاغذ نوشته بود که به دست دارنده خط دستاری از بهر آن پدر می‌رسد ۵۰۰ دینار زر، آن را قبول فرمایند. آن شخص که وظیفه رساندن کاغذ و دستار را بر عهده داشت، یکصد و ۵۰ دینار پول را برای خود برداشت، سپس خدمت سعدی رسید و کاغذ و دستار را تقدیم کرد. استاد کاغذ را دید و دینار دستار را کم یافت. فهمید که غلام از آن پول اختلاس کرده، چیزی نگفت و گفت فردا بیا تا پاسخ‌نامه را بدهم. در نامه‌ای سرسسته پرسش‌های چهارگانه وزیر را پاسخ‌هایی حکیمانه داد و در جواب دستار زر هم نوشت: خواجه تشریفم فرستادی و مال، مالت افزون باد و خصمت پایمال هر بدینارت سالی عمرباد، تا بمانی ۳۵۰سال‌خواجه شمس‌الدین نامه را که گرفت، خیانت غلام بر او معلوم شد و باقی قضایا که در تقریرات ثلاثه آمده‌است، می‌گویند همیشه شمس‌الدین محمد خروارها پول می‌فرستاد و مرحوم سعدی نیز قبول نمی‌کرد، اما هربار مقدار پول برای هر دو طرف معلوم و مشخص بود، تا از دزدی غلامان در امان بماند. اغلب کسانی که به آنان ماموریت می‌دادند دستار جله‌جا کنند هم بی‌سواد بودند تا از نوشته‌های کاغذ چیزی نفهمند. نوشتن این یادداشت را که شروع کردم، می‌خوامس پرسش و پاسخ وزیر و سعدی را بیاورم که خواندنی و درس آموز بود، اما قصه غلام مختلس غالب شد تا داغ دلم تازه شود. از خیلی‌ها که نمی‌توانم انتقاد کنم، حداقل از خودمان که می‌توانم ایراد بگیرم، عدد اختلاس از بانک‌ها دوهزار و ۸۰۰میلیارد تومان است، وقتی به همین راحتی، سه‌هزار میلیارد می‌نویسیم؟ این وسط‌ها یک دله دزدی پیدا می‌شود و آن ۲۰۰میلیارد باقیمانده را هم اختلاس می‌کند و می‌رود بی کارش. خدا رحمت کند مرحوم سعدی را که از ریاضیات و حساب و کتاب چندان به‌رای نداشت، ادعایی هم نداشت.

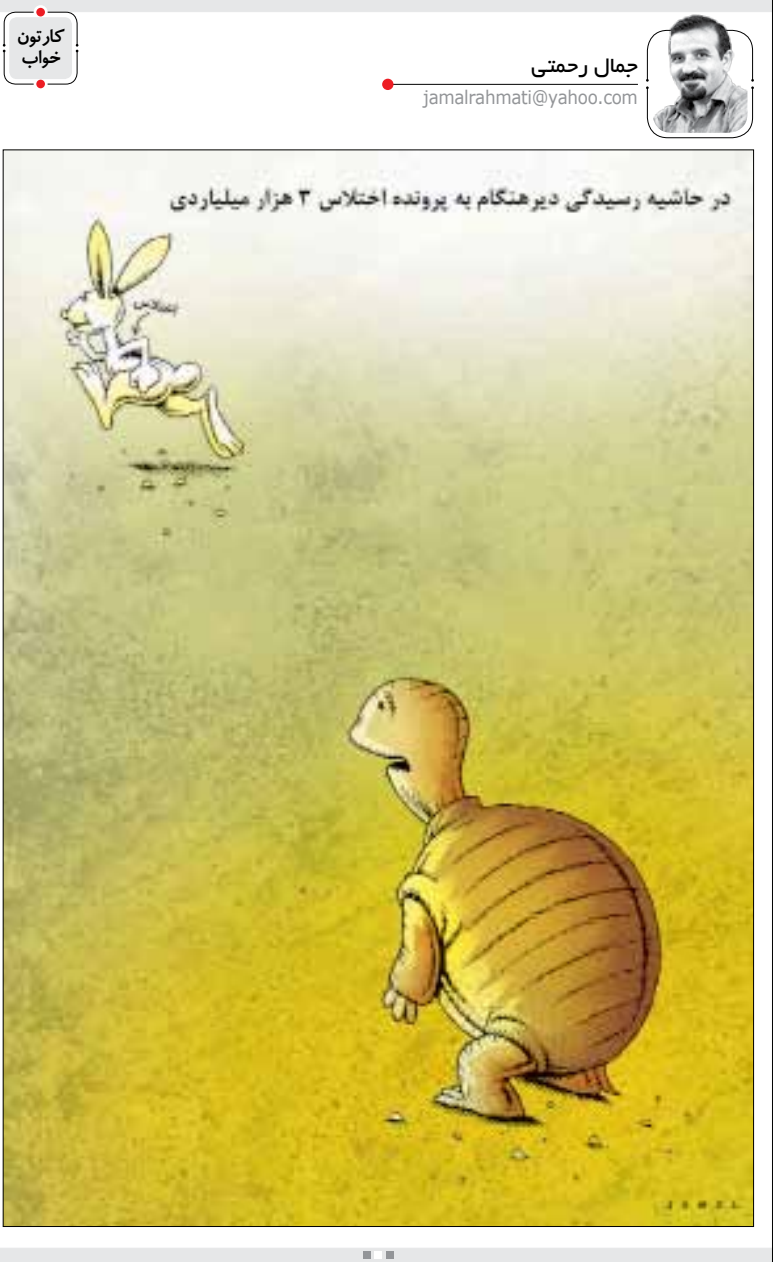
رادپو نوستالژی

«متالیکا» ۳۰ساله شد



علی مسعودی‌نیا

■ «متالیکا» ۳۰ساله شده «کلیف برتون» هال‌لنت که مرده: «جیسن نیوسند» از گروه جدا شده: «راب» تازه‌وارد نوازنده معرک‌های است، اما به این گروه نمی‌آید: «لارس اولریچ» تازه دشمتم برترین نوازندگان درامز سقوط کرده: «کرک همت» هیچ وقت خارق‌العاده نبوده اما همان بوده که گروه می‌خواست: «جیمز هتفیلد» نایفه پیر شده و عینک می‌زند اما به گامتم «متالیکا» در ذهن شونده‌گان «رادپو نوستالژی» -باوجود افت نسبی کارش در دهه اخیر- همچنان یک گروه بی نظیر و تمام‌شدنی است. از این گروه استثنایی، استثنایی‌ترین ترانه‌هایشان را مرور می‌کنیم: «هیج چیز دیگری مهم نیست» (Nothing else matters) ترانه‌ای که ربطی به سبک «ثرش متال» نداشت و به شدت ملودیک بود و این بار به جای یک متن معترض و رادیکال، متنی بود که از زندگی می‌گفت و نوعی «دئودیوایلیسم» را تبلیغ می‌کرد. این ترانه در سال ۱۹۹۲ منتشر شد! اما «هتفیلد» مدت‌ها بود که ورسوین مقدماتی آن را ساخته بود. بعدها او در فیلم مستندی که در مورد گروه‌شان ساخته شد، تعریف کرد که حین گفت‌وگویی تلفنی با نامزدش این ملودی به ذهنش رسید و در حالی که با یک دست گوشی را نگه‌داشته بود، با دست دیگر شروع کرد به نوشتن نه‌های آهنگ در گام «می‌مینور». «متنی بعد ترانه را در یک نشست خصوصی برای «ولریچ» اجرا کرد. اما به این نتیجه رسیدند که جسارت اجرای آن را ندارند. این آهنگ زیاده از حد به ترانه‌های رمانتیک سافراک نزدیک بود و انتشار آن برای یک گروه «ثرش‌متال» کسرشمار محسوب می‌شد. اما آنها در سال ۱۹۹۲ که گروه تصمیم گرفت تا حدی به موسیقی نون‌لپن آلترناتیو نزدیک شود، فرصتی پیش‌آمد که این ترانه را در انتهای آلبوم «متالیکا» (یا «بلاک») جای دهند. در عین ناباوری ترانه با استقبال بی‌نظیر روبرو شد. میلیون‌ها نسخه از آن فروش رفت و در رده یازدهم برترین‌های راک سال جای گرفت. حتی کسانی که از گروه و سبک‌شان متنفر بودند هم نمی‌توانستند آن را ناشنیده بگیرند. ملودی بسیار درخشان و استیل خوانندگی و متن تأثیرگذار «هتفیلد» در کنار سلوی فوق‌العاده زیبایی و «همت» وجه نزاری‌ای از توانایی‌های گروه را نمایش داد و آنها را بیش از پیش به عنوان یک گروه درجه یک و جهانی تثبیت کرد. تاکنون بیش از ۴۰ گروه و خواننده مختلف آن را بازخوانی کرده‌اند. هربار که این ترانه را می‌شنوم، بغض گلویم را می‌گیرد. «هر جست‌وجوی اعتماد بدم و یافتنش در تو/ هر روز برای ما مهیا می‌شود چیزی نو/ ذهنت را بگشای برای منطری متفاوت و هیچ‌چیز دیگری مهم نیست.»



اجرای این طرح به دلیل پاره‌ای مشکلات فنی و حقوقی خبر داد. و البته این سیاهه به همین موارد هم ختم نمی‌شود؛ چراکه علاقه‌مندان به منابع طبیعی کشور هرگز هشدار رییس‌جمهور را در آغاز دولت نهم فراموش نمی‌کنند که چگونه دستگاه منابع طبیعی کشور را از اینکه سد راه توسعه شود، برحذر داشت! اینک این پرسش قابل طرح است که گروه مشاوران عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در حوزه محیط‌زیست، اقلیم و منابع طبیعی چه افرادی و با چه تخصص‌ها و پیشینه‌فعالیتی هستند؟ چگونه امکان دارد رییس‌جمهور، نه یک‌بار، بلکه چندین بار به اظهارنظرهایی بیربازد که آشکارا با ملاحظات، یافته‌ها و آموزه‌های بنیادین دانش محیط‌زیست، اقلیم و منابع طبیعی در تضاد باشد. آیا وقت آن نرسیده تا برای حفظ جایگاه ممتاز عالی‌ترین مقام اجرایی کشور و پاسدار حسن اجرای اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه مشاوران رییس‌جمهور در حوزه اقلیم، محیط‌زیست، زمین‌شناسی و منابع طبیعی استعفا دهند و مسوولیت این خطاهای فاحش و اظهارنظرهای غیرفنی را بر عهده بگیرند؟ و آیا سزاوارانه‌تر نیست تا به جای آنکه گناه آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه در جنگل‌های کشور و خشکی تقریباً تمامی تالاب‌ها در فلات مرکزی ایران و فرونشست نگران‌کننده زمین در اغلب دشت‌های مملکت را به گردن آسمان، خشکسالی و جهان‌گرمایی اندازیم، اندکی هم به ارزیابی برنامه‌های توسعه خود در طول چند دهه اخیر توجه کرده و ببینیم آیا در چیدمان توسعه هرگز به ملاحظات محیط‌زیستی و توان بوم‌شناختی سرزمین آن گونه که سزاوار بوده، توجه کرده بودیم و آیا تدارک نرم‌افزار شایسته‌ای برای مواجهه با حوادث رخ داده در طبیعت ایران دیده بودیم؟ آیا اگر مطابق برنامه پنج ساله سوم که قرار بود اسمیلیون هکتار از اراضی کشاورزی به سامانه‌های آبیاری تحت فشار مجهز شوند، متعهد مانده بودیم ارزش‌گذاری اقتصادی موابط طبیعی را تا پایان برنامه چهارم به پایان برده بودیم، باز هم شاهد تراج اندوخته‌های آبی کشور و هدررفت غم‌انگیز آنها چون امروز می‌بودیم؟ بباییم بپذیریم که از ماست که بر ماست. همین و تمام.

محمد درویش

اخیرا عالی‌ترین مقام اجرایی کشور – محمود احمدی‌نژاد – در چند نوبت سخنرانی و اظهارنظرهای عمومی که انعکاسی گسترده در محافل داخلی و خارجی هم داشته است، به بیان دیدگاه‌هایی در حوزه اقلیم، محیط‌زیست و منابع طبیعی پرداخته که اغلب صاحب‌نظران و پژوهشگران مرتبط را به شگفتی و حیرت واداشته است. به عنوان نمونه در جریان سفر هفته گذشته او به اردبیل، او در حالی از بروز پدیده خشکسالی دریاچه ارومیه به عنوان یک رویداد طبیعی با دوره برگشت ۵۰۰ساله یاد کرد که پیشتر، گروه زمین‌شناسی دریایی سازمان زمین‌شناسی کشور به سرپرستی خانم دکتر راضیه لک و تیم همکاران‌شان نتایج پژوهشی را منتشر کردند که با بررسی نهشته‌های بستر دریاچه نشان می‌داد: دست‌کم بین ۲۳ الی ۴۰هزار سال گذشته، هرگز دریاچه ارومیه چنین شرایط بحرانی‌ای را مانند امروز تجربه نکرده است. جالب آنکه نظیر چنین نتایجی، پیشتر و در زمان مغزه‌برداری از کف دریاچه برای ساخت پل شهید کلاتری توسط وزارت راه و ترابری هم گزارش شده بود. در موردی دیگر، رییس دولت هنگام افتتاح سد کمال صالح در بیست و نهمین روز از اردیبهشت سال‌جاری، پرده از یک توطئه دیگر برداشت و به صراحت اعلام کرد که غرب برای ایجاد خشکسالی در ایران برنامه‌ریزی کرده است.

آن هم درست در زمانی که بی‌سابقه‌ترین خشکسالی قرن در انگلستان به وقوع پیوسته بود! اظهاراتی که البته توسط مدیر طرح ملی تغییرات آب و هوا، دکتر علی سلطانیه به شکلی محترمانه رد شد و او گفت: دزدی ایر‌ها را از نظر علمی نمی‌توان تایید کرد.

افزون بر این‌ها، رییس‌جمهور درباره طرح باغ



دست‌کم برای روزنامه‌های ایرانی چنین است – مخاطبان روزنامه‌های چاپی می‌توانند روی نمایشگر خود اخبار ژورنال مورد علاقه‌شان را دنبال کنند. علاوه بر این مزیت خوانان‌خواه این ویژگی بر حفظ و افزایش مخاطبان جراید نیز کمک می‌کند. دسترسی به آدرس سایت روزنامه‌ها هم چندان مشکل نیست. با جست‌وجوی نام یک روزنامه در موتور جست‌وجوی گوگل به راحتی می‌توانید به مطالب آن آگاه شوید. مدتی است متر و معیاری برای سنجش عیار وب‌سایت روزنامه‌ها نیز فراهم شده است. در کهکشان مجازی وب‌سایتی وجود دارد به آدرس www.stathit.com که با بررسی پارامترهایی چون رنکینگ، ترافیک روزانه، قدمت دامنه و تعداد لینک‌های داده‌شده به وب‌سایت، به ارزش‌گذاری وب‌سایت‌های اینترنتی پرداخته است. درآمد روزانه وب‌سایت‌ها، ارزش دلاری آنها و میزان بازدیدکننده روزانه سایت‌ها از دیگر خدماتی است که این پایگاه اینترنتی ارائه می‌کند. آنچه در ادامه این سطور خواهد آمد، گزارشی درباره دامنه اینترنتی روزنامه‌ها نیست بلکه درباره ارزش دلاری و جهانی دامنه سایت‌های برخی روزنامه‌های ایرانی در کنار روزنامه‌هایی است که اسم و رسم جهانی دارند. با کمک این سایت ارزش دامنه اینترنتی برخی از معتبرترین روزنامه‌های دنیا را در کنار ارزش وب‌سایت روزنامه‌های ایرانی قرار می‌دهیم.

روزنامه	دامنه اینترنتی	ارزش (دلار)	بازدید روزانه	درآمد روزانه (دلار)
نیویورکتایمز	www.nytimes.com	۲۳,۹۶۲,۶۸۴	۷۱,۱۲۰,۰۰۰	۷۱,۱۲۰
گاردین	www.guardian.co.uk	۱۱,۸۸۴,۰۳۹	۹۶,۹۰۰,۰۰۰	۳,۸۷۶
لس‌آنجلس‌تایمز	www.latimes.com	۹,۱۳۷,۶۷۵	۱۱۳,۰۷۰,۰۰۰	۱,۸۸۵
واشنگتن‌پست	www.washingtonpost.com	۸,۸۰۴,۸۷۱	۱۰۶,۸۶۰,۰۰۰	۱,۷۸۱
وال‌استریت‌ژورنال	www.wsj.com	۸,۴۰۸,۰۴۱	۸۲,۸۰۰,۰۰۰	۲,۷۷۰
تایمز	www.thetimes.co.uk	۲,۸۶۴,۶۴۷	۶,۸۴۰,۲۵۰	۲۱۹
الشرق‌الاوسط	www.aawsat.com	۹۹۸,۲۸۹	۲,۱۷۳,۵۵۰	۲۶۱
عرب‌نیوز	www.arabnews.com	۲۵۱,۸۹۳	۱۱۱,۵۰۴	۸۴

روزنامه	دامنه اینترنتی	ارزش (دلار)	بازدید روزانه	درآمد روزانه (دلار)
همشهری	www.hamshahronline.ir	۳۶۶,۳۵۴	۸۹۵,۵۹۰	۳۴۰
دنیای اقتصاد	www.donya-e-eqtesad.com	۲۰۱,۵۳۳	۴۵۴,۱۰۵	۲۲۷
مردم‌سالاری	www.mardomsalari.com	۶۷,۷۸۰	۱۱۹,۲۶۶	۵۷
شرق	www.sharhnewsaper.ir	۳۱,۹۴۴	۹۵,۸۳۳	۶
اطلاعات	www.ettelaat.com	۶۲,۵۵۵	۹۱,۶۶۴	۵
جمهوری اسلامی	www.jomhoursislami.com	۷۱,۱۰۶	۸۲,۹۰۶	۶
هفت صبح	www.7sohb.com	۱۰,۹۴۷	۸۱,۰۴۳	۶
روزگار	www.roozegardaily.com	۱۰,۸۰۲	۷۹,۳۵۷	۶
ایران	www.iran-newspaper.com	۱۵۹,۸۶۶	۴۷,۹۳۳	۸۴
کیهان	www.kayhannews.ir	۱۵۴,۰۷۴	۴۵,۰۳۷	۷۹
اعتماد	www.etemaad.ir	۳۶,۷۰۱	۷,۰۵۱	۶

به راحتی می‌توان از کنار هم قرار گرفتن این دو جدول متوجه شد که ارزش سایت‌های روزنامه‌های ایرانی در برابر وب‌سایت‌های روزنامه‌های خارجی که عنوان بین‌المللی را هم یدک می‌کشند، بسیار ناچیز است. شاید همین دلیل کافی باشد برای اختلاف زیاد درآمدزایی میان سایت‌های ایرانی و خارجی. در میان سایت روزنامه‌های ایرانی «همشهری» با ۳۴۰ دلار

برداشت آخر

ماجرای ویزای فرانسه غریب‌پور

شرق، فاطمه عسگری آزاد: به‌روز غریب‌پور که امروز - ۲۸ شهریور - برای اجرای اپرای عروسکی «شاهسورا» در جشنواره تئاتر شارل ویله مزیه رهسپار فرانسه می‌شود، از برخورد سفارت فرانسه در صدور ویزا برای گروه تئاتر عروسکی «ران» اظهار تاسف و انتقاد کرد. جشنواره تئاتر شارل ویله مزیه یکی از معتبرترین جشنواره‌های تئاتر عروسکی جهان است و سابقه دیرینه‌ای دارد. بر همین متوال تمام راه‌ها و روش‌های دعوت بر اساس نامه طی می‌شود و حدوداً یک سال قبل از شروع جشنواره تمام مدارک لازم برای گروه ارسال می‌شود و نقطه ابهامی وجود ندارد.

اما به‌روز غریب‌پور کارگردان نمایش عروسکی از مشکلات پیش آمده برای ویزای گروه‌اش به «شرق» گفت: اخیراً سفارت فرانسه در ایران قاعده جدیدی را برای ایرانی‌ها قرار داده و به این منظور اتباع ایرانی برای اقامت تک‌وزامدت یا اجرای نمایش در این کشور باید اجازه کار در کشور فرانسه را بگیرند؛ حرکتی که به گفته غریب‌پور به لطیفه و جوک شبیه است. با تمام این‌ها جشنواره و مدیرانش تمام تلاش خود را کردند که این تئاتر بتواند در فرانسه اجرا شود، بنابراین اجازه کار هم برای سفارت ای‌میل شد اما بهانه‌جویی‌ها و بهانه‌گیری‌های سفارت تمام نشدنی بود و بار دیگر اعلام کردند که باید اجازه این کار مهر و امضای رسمی شود و برای این کار هم تنها ۲۴ ساعت فرصت دادند. این کارگردان تئاتر در اعتراض به این برخوردها از شرکت در این جشنواره

روزنه

«خرده خانم»

در دستان کاربلدی بالا بلند!



محمدعلی سجادی

■ قتل ناصرالدین‌شاه، درهم ریختگی اوضاع اجتماعی-سیاسی بعد از آن و آوارگان درگاه همایونی در بحبوحه مشروطه و... این‌ها دست‌مایه نمایش «خرده خانم» کیومرث پوراحمد است. چرا فیلم نمی‌سازد؟ دلش نمی‌خواهد، یا نمی‌شود، یا نمی‌گذارند؟ کیومرث خواسته که تجربه‌ای در نمایش هم داشته باشد. در پیشینه اوست. در پیشینه ما هم هست. تئاتر که از سینما دور نیست، باهم هستند. خواهر و برادرند، مثل عشق که خواهر مرگ است؟! «حرف امسال و پارسال نیست، تجربه تئاتر آرزوی دیرینه‌ای بود که سرانجام با نوشته جذاب اصغر عبداللهی به اتمام رسید. در مقایسه با سینما که چهار دهه است با آن زندگی می‌کنم، تئاتر دنیایی است به کلی متفاوت. در سینما، همه چیز در اختیار توست و در تئاتر این اختیارات بین تو و بازیگران تقسیم می‌شود. تئاتر برایم تجربه‌ای شاق بوده است و به همان اندازه شوق‌انگیز...»

«خرده خانم» با استفاده از نمایش ایرانی – سیاه بازی – سیاه بازی و... پیش می‌رود. نوع تیپ‌سازی، روند روایتی که آزاد است از بند، سرگرمی و بزن و بکوب و تصنیف و رنگ و نق و نق اجتماعی، سیاسی و... نوازندگانی که در گوشه صحنه چون سنت روحوی که هم در حاشیه‌اند و هم با متن می‌آمیزند، تیپ‌سازی سیاه و حاجی، در شخصیت مثبت و روشنفکری مثل میرزا عبدالله که به قول خودش همان انتک‌توال است و فرانسوی بلغور می‌کند، دغدغه اصلاحات دارد و سرتیپ مضروب با بازی خوب (وزیری) بازآفرینی می‌شود.

با آنکه نمایش به نام خرده خانم – سارا کریمی است اما این گلاب آدینه «دده خانم» است که نمایش را می‌چرخاند. فرزین محدث هم در دو نقش نوازنده و لگردد و ملیچک که به نظر دو روی یک سکه‌اند، خوش می‌درخشد. نمایش با همان قرارداد از پیش تعیین شده، تصویرگر دوران بعد از قتل شاه‌بابا یا ناصرالدین‌شاه و به عبارتی تیر خالصی قجرهاست که توسط میرزا‌زای کرمانی شلیک می‌شود. نگاه پوراحمد هم با چنین نظری در اجرا منعکس می‌شود. درست نقطه مقابل مجموعه خوش‌خاطره «سلطان صاحبقران» که مهدلی تماشاگر را با شاه و دربارش بر می‌انگیزد و نمایش با فصل‌هایی از آن مجموعه آغاز می‌شود. صحنه‌پردازی ساده، با استفاده از کمترین ابزار صحنه و لباس ساخته می‌شود. آن حالت اپیک – فاصله‌گذارانه که در نمایش روحوضی و تعزیه وجود دارد به کار پوراحمد می‌آید و بازی‌سازان در فواصل بین صحنه‌ها تصنیفی را مناسب حال صحنه می‌خوانند و به بازی برمی‌گردند. نمایش ریتم پرچنب‌وجوش و پرشوری که در پرده دوم کمی افت می‌کند و این دشواری کمی از متن می‌آید، چون کار با دلبستانی قراردادی و نمایش واقع‌های مکرر آسان نیست. این را خود پوراحمد خوب می‌داند و در سینما بارها تبحرش را نشان‌مان داده. پوراحمد در دو مجموعه بلندگارش قصه‌های جدید و سرنخ نشان داد چمپیزان طنز است و گز اصفهان زیر پوستش گز می‌کند. بی‌تعارف بگویم نمایش «خرده خانم» تجربه قابل‌احترام و اعتنایی است و دیدارش می‌تواند ما را که شگفت‌زده روزگارمان هستیم به خود بی‌آورد و از این رو زیاد ذوق‌زده نشویم و بدانیم که این آواز خوش تغییر از کجا آغاز شده و به کجا خواهد رفت که این تامل و نگاه خواست پوراحمد و عبداللهی در نوشتن و اجرای این نمایش است. ای کاش پنج‌رایی بود به جای این روزنه تا بیشتر نگاهش می‌کردم.

۹۰/۶/۲۶
*کیومرث پوراحمد – چاپ داخل بروشور

رویداد

تغییر محل کلاس‌های

«انجمن حکمت و فلسفه»

■ انجمن حکمت و فلسفه ایران دوره‌های آزاد خود را از چهار مهر در ساختمان شماره دو فرهنگستان علوم برگزار می‌کند. دوره‌های آزاد انجمن حکمت و فلسفه ایران در نیم‌سال اول تحصیلی ۹۱ – ۱۳۹۰ از این پس در محل جدید انجمن واقع در میدان قدس، خیابان دربند، رویروی مسجدالکریم، ساختمان شماره دو فرهنگستان علوم، مهر مرکز مطالعات علم برگزار می‌شود. در این دوره کلاس‌های استادی مانند غلامحسین ابراهیمی‌دنبانی (دفتر عقل و آیت عشق، دوشنبه‌ها، شروع کلاس از چهار مهر)، مصطفی محقق‌اماد (شواهد ربوبیه، سه‌شنبه‌ها، شروع از ۱۹ مهر) و غلام‌رضا اعوانی (زبان یونانی، شروع از نیمه دوم مهر ماه) در مکان جدید برگزار می‌شوند.